



Criticism and evaluation of the translation of the play "Al-Hossein Thaera and Shahida" by Abdur Rahman Al-Sharqawi based on the destinationist approach of Jean-René Ladmira

Sayyed Mahdi Nori Keyzghani *¹, Masoud Salmani Haghighi²

¹ Associate Professor of Arabic language and literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Hakim Sabzevari, Sabzevar, Iran.

² PhD of Arabic language and literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Hakim Sabzevari, Sabzevar, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:

19/09/2025

Accepted:

18/02/2026

In recent decades, the study and criticism of the translation of texts, especially literary texts, based on various translation models has met with widespread acceptance. Through these models, in addition to the criticism and evaluation of translation, it is possible to find out the desired techniques and methods for achieving a reasonable and appropriate translation. One of the models of interest is the model of "Jean-René Ladmira". This French researcher offers components for evaluating and improving translation, the observance of which is of great help in improving the level of translation. In this article, relying on the descriptive-analytical method, Gholamreza Emami's translation of the play "Al-Hussein Tha'ira and Shahida" by Abdolrahman Al-Sharqawi has been criticized and evaluated in the light of Ladmira's target-oriented model. The findings of the study showed that Emami's translation of the Eastern play, published under the title The Journey of Exodus, is more consistent and appropriate with Ladmira's model in terms of translator's choice, addition, disambiguation, heterogeneity, minimal interpretation, repetition, and borrowing. However, in some cases, inappropriate deletions have overshadowed his translation and caused it to not be consistent with Ladmira's deletion component.

Keywords: The play *Al-Husayn Tha'iran wa Shahidan*, Persian translation, L'Admiral Model.

Cite this article: Nori Keyzghani, S.M. & Salmani Haghighi, M. (2026). *Criticism and evaluation of the translation of the play "Al-Hossein Thaera and Shahida" by Abdur Rahman Al-Sharqawi based on the destinationist approach of Jean-René Ladmira*, year 2, issue 2, Pp 45-68.

DOI: 10.22034/jisall.2025.520929.1070

© The Author(s).

Publisher: University of Zabol



***Corresponding Author:** Sayyed Mahdi Nori Keyzghani

Address: Associate Professor of Arabic language and literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Hakim Sabzevari, Sabzevar, Iran.

E-mail: sm.nori@hsu.ac.ir



ارزیابی ترجمه فارسی نمایشنامه «الحسین نائرا وشهیدا» اثر عبدالرحمن شرفاوی بر اساس رویکرد

ژان رنه لادمیرال

سید مهدی نوری کیدقانی^{*}، مسعود سلمانی حقیقی^۲

^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.
^۲ دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: در دهه‌های اخیر بررسی و نقد ترجمه متون به ویژه متون ادبی بر اساس الگوهای مختلف ترجمه، با اقبال گسترده‌ای روبرو شده است. به واسطه این الگوهای می‌توان علاوه بر نقد و ارزیابی ترجمه، به تکنیک‌ها و روش‌های مطلوب جهت دست یابی به یک ترجمه معقول و مناسب پی برد. یکی از الگوهای مورد توجه الگوی «ژان رنه لادمیرال» است. این محقق فرانسوی برای ارزیابی و بهبود ترجمه مؤلفه‌هایی را ارائه می‌دهد که رعایت آن‌ها کمک شایانی در ارتقای سطح ترجمه دارد. در این جستار و با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی ترجمه غلامرضا امامی از نمایشنامه «الحسین نائرا وشهیدا» اثر عبدالرحمن شرفاوی در پرتو الگوی مقصدگرای لادمیرال مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داد ترجمه امامی از نمایشنامه شرفای که با عنوان سفر خروج چاپ شده است، در سطوح حق انتخاب مترجم، افزوده‌سازی، ابهام‌زدایی، ناهمگون‌سازی، تفسیر حداقلی، تکرار و وام‌گیری با الگوی لادمیرال تطابق و تناسب بیشتری دارد. البته در برخی موارد هم حذف‌های نابجا ترجمه او را تحت الشعاع قرار داده است و موجب شده تا با مؤلفه حذف لادمیرال منطبق نباشد.

کلمات کلیدی: شرفاوی، نمایشنامه الحسین نائرا وشهیدا، ترجمه فارسی، الگوی لادمیرال.

استناد: نوری کیدقانی، س.م. سلمانی حقیقی، م. (۱۴۰۴). *ارزیابی ترجمه فارسی نمایشنامه «الحسین نائرا وشهیدا» اثر عبدالرحمن شرفاوی بر اساس رویکرد ژان رنه لادمیرال*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۴۵-۶۸.
DOI: 10.22034/jisall.2025.520929.1070



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل

۱. مقدمه

ترجمه فعالیتی است درون‌زبانی و بین‌زبانی. شرح جهان و پدیده‌های آن نوعی ترجمه درون‌زبانی است. شارل بودلر و مارسل پروست معتقد بودند که نامیدن یک چیز خود ترجمه آن است. دستور زبان نیز خود نوعی فرا زبان و ترجمه زبان است. ترجمه پاسخ به نیاز ملت‌های مختلف برای برقراری ارتباط با همدیگر است (احمدی، ۱۳۹۵: ۷).

ژان رنه لادمیرال* فرانسوی و برایان هاریس‌کانادایی در سال ۱۹۷۲م تقریباً به طور همزمان واژه ترجمه‌شناسی (Traductologie) را به کار بردند که خود در واقع نوعی گرده‌برداری از واژه (übersetzungswissenschaft) بود که در دهه ۵۰ میلادی ترجمه‌شناسان آلمانی ساخته بودند. ترجمه‌شناسی علمی است نو بنیاد با اهدافی متعدد: سنجش نظریه‌های موجود ترجمه، خلق نظریه‌های جدید، ارزیابی متون ترجمه شده و بالاخره نقد فرآیند ترجمه به عنوان یک کنش فردی. ترجمه‌شناسی بیشتر از همه رشته‌های علوم انسانی دارای خصلتی بین رشته‌ای است. چهار راهی است محل دیدار یا حتی برخورد رشته‌هایی چون زبانشناسی، نشانه‌شناسی، معناشناسی، فلسفه، ادبیات، جامعه‌شناسی، شناخت‌شناسی، روانکاوی و رایانه‌شناسی (ترجمه ماشینی) (همان: ۱۰-۹). کاربرد روزافزون ترجمه در دهه‌های اخیر لزوم تدوین نظریه‌ها و پایه‌های علمی برای این دانش را بیش از پیش ثابت می‌کند. «آنانکه به این حرفه مشغول بودند سعی بر آن داشتند تا از راه‌حل‌های علمی مسائل آگاه شوند و معیارهایی را در اختیار داشته باشند تا از آن طریق بتوانند ابزارهای ارائه ترجمه مطلوب را به کار گیرند» (صفوی، ۱۳۷۱: ۱۰).

در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا با نقد ترجمه غلامرضا امامی از نمایشنامه الحسین نائرا و شهیدا اثر عبدالرحمن الشراقوی در وهله نخست نقاط ضعف آن را پوشش دهد و بر نقاط قوت آن بیافزاید و در وهله دوم بستر مناسب را برای ادامه روند و فرآیند نقد ترجمه سایر آثار ادبی و غیر ادبی بر اساس الگوی مذکور فراهم آورد. علاوه بر این در پایان هر نمونه ترجمه پیشنهادی نیز به منظور بهتر و کامل‌تر شدن ترجمه اصلی ارائه شده است. در پژوهش‌ها نحوه استخراج و گردآوری داده‌های پژوهش‌ها به دو روش استقرائی تام و ناقص انجام می‌شود. در این پژوهش گردآوری نمونه‌ها به روش استقرائی ناقص انجام شده است. بدین صورت که از میان نمونه‌های انبوه مربوط به هریک از مؤلفه‌ها، مجموعاً ۲۳ مورد انتخاب و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و در پایان صفت مشترک آنها تبیین

* - Jean Rene Ladmiral

شده است. همچنین باید گفت ترجمه پیشنهادی تنها برای مواردی که مترجم در برگردان آنها موفق عمل نکرده بود ارائه شده است.

عبدالرحمن شرفاوی (۱۹۲۰م-۱۹۸۷) یکی از ادیبان و متفکران برجسته معاصر جهان عرب است. وی «در سال ۱۹۴۳م از دانشکده حقوق دانشگاه الأزهر قاهره فارغ التحصیل شد و سال‌های در مناصب دولتی و نیز حرفه روزنامه‌نگاری مشغول به کار بود. وی در اشعار و نمایشنامه‌هایش به مسائل سیاسی و اجتماعی معاصر پرداخت» (الجبوری، ۲۰۰۳: ۳۷۷). کوشش‌های ادبی و اجتماعی عبدالرحمن شرفاوی سبب شد که به دبیر کلی سازمان همبستگی آسیا و آفریقا و شورای عالی هنر و ادب مصر برگزیده شود و زندگی روستایی الهام بخش بسیاری از داستان‌های کوتاه و بلند او بود (شرفاوی، ۱۳۹۹: ۹). شرفاوی پس از نگارش رمان «الأرض» (سرزمین) جایگاه عظیمی در ادبیات عربی به دست آورد، به گونه‌ای که نجیب محفوظ درباره آن گفت شرفاوی با نوشتن این رمان پیشوای ادبیات سوسیالیستی در ادبیات معاصر عربی است (ناظمیان، ۱۳۸۷: ۲۱۸).

یکی از آثار ارزنده این متفکر اهل سنت نمایشنامه «الحسین نائرا و شهیدا» است که از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در ادبیات معاصر عربی برخوردار است. این نمایشنامه در دو بخش تنظیم شده و دارای ۴۴۸ صفحه است. بخش اول آن به حوادث پیش از شهادت امام حسین (ع) اشاره دارد و با جریان مرگ معاویه آغاز می‌شود و قسمت دوم به حوادث مربوط به ورود امام حسین (ع) به کربلا و شهادت ایشان و اهل بیت و یارانش می‌پردازد. «این نمایشنامه یک نمایشنامه صرفاً تاریخی نیست، بلکه حوادث تاریخی در آن به عنوان چارچوبی به کار رفته است که قصد دارد پیامی نو را به خواننده انتقال دهد. امام حسین (ع) در این نمایشنامه شخصیتی انقلابی دارد و برای دفاع از حق و عدالت شهادت را برمی‌گزیند و در پایان نمایشنامه شیخ امام در گفتگویی طولانی مردم را تشویق می‌کند تا از ایشان یاد کنند، البته نه با انتقام و خونریزی بلکه با تداوم مبارزه برای تحقق عدالت میان مردم و دفاع از حق و فضیلت و آزادی و همه ارزش‌های بزرگ زندگی» (بدوی، ۲۰۱۶م: ۶۱۷). در این پژوهش سعی شده تا به دو پرسش زیر پاسخ داده شود:

۱_ ترجمه امامی از نمایشنامه «الحسین نائرا و شهیدا» با کدام یک از مؤلفه‌های الگوی لادمیرال تناسب بیشتری دارد؟

۲_ میزان موفقیت مترجم در ارائه برگردان نمایشنامه مزبور منطبق بر نظریه لادمیرال تا چه اندازه بوده است؟

تاکنون هیچ پژوهشی نمایشنامه «الحسین نائرا وشهیدا» را بر اساس نظریه لادمیرال مورد نقد و بررسی قرار نداده است. البته این نمایشنامه از جنبه‌های دیگر مورد بررسی قرار گرفته که به برخی اشاره می‌شود :

- مقاله «واکاوی استلزام ارتباطی در پرده دوم از نمایشنامه «الحسین نائرا» اثر عبدالرحمن شرقاوی در پرتو نظریه گرایس»، نوشته موسوی پناه (۱۴۰۳)، چاپ شده در مجله لسان مبین، به بررسی نمایشنامه مزبور بر اساس نظریه گرایس پرداخته است. مهم ترین نتایج به دست آمده در این جستار بدین ترتیب است: دیالوگ‌ها در پرده دوم این نمایشنامه از چهار اصل همکاری تخطی کردند و و بیش‌ترین میزان عدول از این چهار اصل مربوط به اصل کمیت و سپس کیفیت است.

- مقاله «درس‌های مکتب حسینی در نمایشنامه «الحسین نائرا وشهیدا» اثر عبدالرحمن شرقاوی»، نوشته نوری کیدقانی (۱۴۰۳)، چاپ شده در پژوهشنامه معارف حسینی به بررسی مکتب حسینی در نمایشنامه مذکور پرداخته است. یافته‌های جستار حاکی از آن است که شرقاوی در این نمایشنامه تنها روایتگر تاریخ و درصد مرثیه‌سرایی نیست، بلکه سعی دارد با الگو گرفتن از مکتب سیدالشهداء برای جامعه اسلامی و به‌ویژه کشور خویش، درس زندگی به همراه آورد و علاج مشکلات جامعه خود را در پیروی از سیره امام حسین(ع) بیابد. آزادگی، عزت، اخلاص، جوانمردی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی از مهمترین درس‌های مدرسه حسینی است که در نمایشنامه شرقاوی نمود بارزی دارد.

همچنین آثار ادبی دیگر بر مبنای الگوی ترجمه لادمیرال بررسی شده‌اند که به برخی اشاره می‌شود:

_ مقاله «بازکاوی ترجمه عبداللطیف تسوجی از داستان بنیادین هزار و یک شب بر اساس الگوی ژان رنه لادمیرال»، نوشته دلشاد و دیگران (۱۳۹۵)، چاپ شده در مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ترجمه تسوجی را از داستان بنیادین هزار و یک شب بر اساس نظریه کاربردی لادمیرال نقد و بررسی نموده و نحوه عملکرد مترجم را در برگردان متن مبدأ ارزیابی کرده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که ترجمه تسوجی مطابق با این اصل، هم‌سویی چشمگیری با نظریه لادمیرال دارد و مترجم توانسته ضمن توجه به بازآفرینی و زایش معنا - جز در موارد اندکی - اثری زیبا و متناسب با بافت فرهنگی زبان مقصد ارائه نماید.

_ مقاله «بررسی مقابله‌ای فرآیند حذف یا آنتروپی در ترجمه‌های فارسی هزار و یک شب»، نوشته دلشاد و مسبوق (۱۳۹۵)، چاپ شده در مجله مطالعات زبان و ترجمه، مؤلفه حذف را در سه مقوله بیان حالات عشقی، برگردان اشعار و نشانه‌های عربی-اسلامی در ترجمه‌های فارسی ألف لیله و لیله همورد ارزیابی و سنجش قرار داده است. برآیند پژوهش نشان می‌دهد فرآیند حذف و آنتروپی در ترجمه صرفا به

تفاوت‌های ساختاری میان زبان مبدأ و مقصد محدود نمی‌شود، بلکه بافت معنایی و فرهنگی نیز در پدید آمدن درگاشت در ترجمه دخیل است.

— مقاله «تحلیل و نقد ترجمه دشتی از نهج البلاغه با تکیه بر دیدگاه لادمیرال (موردپژوهشی متن ده خطبه پایانی)، نوشته سلیمی و نظری (۱۴۰۱)، چاپ شده در مجله پژوهش‌نامه علوی، ترجمه دشتی و میزان هماهنگی و کارآمدی آن را بر مبنای مؤلفه‌های دیدگاه لادمیرال از جمله حق انتخاب، تفسیر حداقلی، جابجایی، آنتروپی و دیگر مقوله‌های مندرج در این دیدگاه مورد بررسی قرار داده است. نتیجه حائز اهمیت تناسب ترجمه دشتی با عنصر جابجایی، بازآفرینی عبارات با تکیه بر روانسازی متن بر مبنای مقصدمحوری لادمیرال است.

— مقاله «ارزیابی ترجمه فارسی رمان «موسم الهجرة إلى الشمال» بر اساس الگوی ژان رنه لادمیرال»، نوشته شادمان و اکبری‌زاده (۱۴۰۲)، پذیرفته شده برای چاپ در مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، نمونه‌های از ترجمه رمان مذکور را بر اساس الگوی لادمیرال مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد، مترجم در مباحث «ابهام زدایی»، «افزوده‌سازی» و «حذف» کاملاً موافق با مؤلفه‌های لادمیرال عمل نموده و متنی خوانا و قابل فهم در فرهنگ مقصد ارائه داده است. ولی در پاره‌ای از موارد، مانند مباحث «جابجایی» و «حق انتخاب مترجم»، مؤلفه‌های الگوی لادمیرال دیده نشده است. در نهایت طبق آمار گرفته شده از ۲۴ نمونه متن طیب صالح، ۳ مورد ترجمه، مخالف رویکرد مؤلفه‌های لادمیرال بوده است.

— مقاله «کاربست نظریه ژان رنه لادمیرال در ارزیابی کیفی ترجمه الهی قمشه‌ای از برخی آیات پانزده جزء دوم قرآن»، نوشته فکری و مدنی (۱۴۰۲)، چاپ شده در مجله مطالعات ترجمه، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای از پانزده جزء دوم قرآن را با تکیه بر نظریه لادمیرال واکاوی کرده است. نتایج تحقیق به این نکته اشاره دارد که در این ترجمه مولفه‌های افزوده‌سازی، تفسیر حداقلی و ناهمگون‌سازی نظریه لادمیرال بیشترین بسامد را دارا می‌باشد. مترجم با هدف مقصدگرایی و افزوده‌هایی که جهت درک و فهم بهتر خواننده آورده، ضمن روان‌سازی متن، ترجمه را از متن اصلی قرآن بلندتر ساخته تا جایی که می‌توان این ترجمه را یک تفسیر مختصر از قرآن تلقی کرد.

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

نقد و ارزیابی ترجمه متون به خصوص متون ادبی با بهره‌گیری از نظریات گوناگون حوزه ترجمه به منظور نمایان ساختن هر چه بهتر معنا و مفهوم متن و به دست دادن روشی هدفمند جهت ارائه یک ترجمه مناسب از اهمیت بسزایی برخوردار است. از این نگارش چنین پژوهشی در این راستا می‌تواند برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به ترجمه مفید باشد.

۲. بحث و بررسی

۲_۱. الگوی لادمیرال

واکاوی ترجمه آثار مختلف ادبی امروزه مورد استقبال ناقدان و ادب‌پژوهان قرار گرفته است و نظریه‌های ترجمه به بهبود کیفیت ترجمه آثار مختلف کمک شایانی کرده است. «امروزه با حجم زیادی از نظریه‌ها مواجه هستیم که می‌تواند تحلیلی کارا از ترجمه‌ها ارائه دهد و به ارزیابی آن‌ها پردازد. در مجموع می‌توان این نظریه‌ها را به دو دسته کلی مبدأگرا و مقصدگرا تقسیم کرد که هر یک از این گرایش‌ها برای متونی خاص متناسب و اجرا شدنی است» (دلشاد و دیگران ۱۳۹۵: ۴۲) یکی از این الگوهای معروف الگوی ژان رنه لادمیرال محقق و نظریه پرداز فرانسوی است که در تئوری خود جانب مقصد را مد نظر قرار می‌دهد و به مترجم اجازه می‌دهد متنی روان و روان‌فهم و دور از تکلف را در اختیار خواننده قرار دهد.

لادمیرال «بسیاری از کتابهای فلسفی را به زبان فرانسه برگردانده و معضلات ترجمه را از نزدیک لمس کرده و راهکارهای بسیار مناسبی را برای بالابردن سطح کیفی ترجمه متون دینی و فلسفی ارائه داده است که مترجمان با شناخت این نظریه و عمل به آن می‌توانند محصولی با حداکثر مقبولیت تولید نمایند» (ثمره و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۹۳). لادمیرال در بحثی پیرامون فلسفه ترجمه بیان می‌دارد که ترجمه، نقطه کور یا منطقه الفراغی برای فلسفه است. تفکر نظری بر روی ترجمه، در وهله اول امری ترجمه‌ای در نظام زبان‌شناختی به نظر می‌رسد اما در نظر لادمیرال در باطن امری فلسفی است (نیازی، ۱۴۰۱: ۸۴). لادمیرال برای الگوی خود چندین مؤلفه مطرح می‌کند که از مهمترین آنها می‌توان به جابجایی، حق انتخاب مترجم، تکرار، شفافسازی یا ابهام‌زدایی، وام‌گیری، تفسیر حداقلی، ناهمگون‌سازی، آنتروپی، افزوده‌سازی و انتقال اشاره کرد. در ادامه به بررسی این مؤلفه‌ها بر روی ترجمه انتخابی از نمایشنامه الشرقاوی پرداخته می‌شود.

۲-۲. آنتروپی یا حذف

یکی از مؤلفه‌هایی که لادمیرال برای ترجمه و نقد آن در نظر گرفته است، مؤلفه آنتروپی یا حذف است. آنتروپی یعنی «اتلاف اطلاعات مدلولی است زمانی که دلالت‌های ضمنی معناشناختی واژه از اهمیت کمتر یا غیر ضروری برخوردار است» (لادمیرال، ۱۴۰۰: ۲۱۰).

۱_ هانی: لقد افلت الصبید فلینطلق كما شاء مستهترا في البلاد (الشرقاوی، ۱۹۹۵م، ۱۴۰).

ترجمه: شکار از دستمان فرار کرد (امامی، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

در این قسمت ترجمه ناقص است و تنها قسمت اول عبارت ترجمه شده است و جمله "فلینطلق كما شاء مستهترا فی البلاد" ترجمه نشده است. یکی از مؤلفه‌های الگوی لادمیرال آنتروپی است و مقصود

آن است که گاه ترجمه نکردن برخی واحدهای معنایی متن مبدأ خللی به ترجمه وارد نمی‌آورد، ولی در این شاهد مثال حذف عبارت مشمول آنتروپی نمی‌گردد و مخلّب به مقصود است. «آنتروپی یا حذف به معنای هدر رفتن تدریجی اطلاعات در سطح دال و مدلول است؛ بدین معنا که گاه در متن مبدأ مواردی وجود دارد که در زبان مقصد بار معنایی ندارند و بیشتر مربوط به ساختار آن زبان می‌باشند، در این صورت ترجمه نکردن این واحد های معنایی به ایجاد معنا لطمه‌ای وارد نمی‌کند، بلکه ترجمه آن‌ها متن را از قابل فهم بودن و خوانایی خارج می‌سازد» (مهدی پور، ۱۳۹۰: ۵۲).

ترجمه پیشنهادی: شکار گریخت، حالا بگذر این فرد در شهر راه رود و پرده‌داری کند.

۲_ ومن يساعده على إخفاء نفسه (الشرقاوى، ۱۹۹۵م، ۱۳۹)

ترجمه: یا به او کمک رساند (امامی، ۱۳۹۹: ۹۹).

در این نمونه هم عبارت عربی ناقص ترجمه شده است؛ زیرا متن ترجمه فقط از یاری رساندن صحبت کرده است اما در متن عربی منظور یاری رساندن جهت مخفی‌سازی فرد از چشم مأموران است. عدم بازتاب گزاره مخفی ساختن در زبان مقصد مخاطب را با نوعی سؤال مبنی بر این که کمک رسانی به چه منظور انجام شده مواجه می‌کند. بنابراین انتقال گزاره مذکور در متن ترجمه به منظور تبیین هر چه بهتر محتوا و مقصود اصلی از ضرورت برخوردار است. مواردی که نظریه پردازان مقصدگرا با حذف و آنتروپی آن موافقتند مربوط به مفاهیم خاص فرهنگی یا اصطلاحات یا به طور کلی آن گزاره‌هایی است که در زبان مقصد بار معنایی ندارند و به بافت کلام آسیبی نمی‌رساند و انتقال آن به زبان مقصد ضرورتی ندارد (دلشاد و مسبوق، ۱۳۹۵: ۵۸).

ترجمه پیشنهادی: هرکس که به او در مخفی شدن یاری رساند.

۳_ رویدك یا هانی بن عروة (الشرقاوى، ۱۹۹۵م، ۱۴۱)

ترجمه: عبارت فوق از سوی مترجم ترجمه نشده است.

اشکالی که در اینجا وارد است عدم ترجمه یک عبارت به طور کامل است و با توجه به اصل رعایت امانت عدم ترجمه توجیهی ندارد. مترجم از برگردان عبارت فوق در زبان مقصد غفلت ورزیده است که این امر می‌تواند ترجمه او را تحت الشعاع قرار داده و از میزان کیفیت و کارایی آن کم کند. برگردان عبارت فوق در هیچ قسمت از ترجمه مترجم حتی به صورت غیر مستقیم نیز یافت نشد. ترجمه عبارت فوق به فرم «آهسته‌تر ای هانی بن عروه» واژه «رویدك» اسم فعل است به معنای آرام باش یا آهسته‌تر. روید در واقع تصغیر ترخیم شده واژه «ارود» می‌باشد. «مترجم به عنوان نماینده و امین مؤلف باید از موضوع و سبک او محافظت کند. این امانت داری باید تا آنجا پیش رود که اگر مؤلف خواست کتابش را به زبان ترجمه بنویسد، چندان تفاوتی با آن نکند» (معروف، ۱۳۸۷: ۴۷).

۴_ وكم من مواقع قد خاضها في زمان الرسول (الشرقاوى، ۱۹۹۵م: ۱۴۱).

ترجمه: چقدر در زمان رسول خدا با مصیبت و بلا روبرو شد (امامی، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

در این جا نیز واژه "مواقع" در متن مقصد ترجمه نشده و جنبه مجازی و استعاری کلام نشان داده نشده است. منظور از مواقع نبردهاست. موقع در عرف ادبیات کهن عرب به معنای نبرد و میدان مبارزه است. می‌توان گفت حذف‌های صورت گرفته از سوی مترجم در زبان مقصد مناسب و به جا نبوده است؛ چراکه حذف واژگان و عبارات ۵ نمونه مورد بررسی، جزو اطلاعات و مدلول اصلی متن بوده که می‌بایست آن را در متن مقصد متبلور ساخت. موضوعی که از چشم مترجم پنهان مانده است و حذف آن‌ها از سوی وی با رویکرد لادمیرال مطابقت ندارد.

ترجمه پیشنهادی: چه بسیار که در زمان رسول خدا در جنگ‌های دشوار و مصیبت‌بار بسیاری شرکت کرد.

۵_ أین الحسین فنبایعه الآن ونخلع عهد یزید(الشرقاوى، ۱۹۹۵: ۲۸).

ترجمه: حسین کجاست تا با او بیعت کنیم و یزید را از حکومت خلع کنیم (امامی، ۱۳۹۹: ۲۰). در این نمونه واژه "الآن" با توجه به دلالت فعل "نبایعه" بر زمان حال و این که دو طرف گفتگو حاضر هستند، صحبت از بیعت و خلع کردن از حکومت در حیطه زمانی حال و اکنون صورت پذیرفته است. بنابراین ترجمه کلمه "الآن" با در نظر گرفتن دلالت‌ها و قرینه‌های موجود در کلام ضروری به نظر نمی‌رسد و حذف آن از ترجمه توسط مترجم را می‌توان به عنوان یک درگاشت یا حذف موفق در نظر گرفت.

۶_ تب إلى الله وبایع للحسین (الشرقاوى، ۱۹۹۵: ۳۴).

ترجمه: توبه کن و با حسین بیعت کن (امامی، ۱۳۹۹: ۲۴).

در این مثال مترجم مطابق با مؤلفه آنتروپی لادمیرال اقدام به حذف برگردان ترکیب "إلی الله" در ترجمه خود نموده است. از آنجایی که توبه کردن و بازگشتن بنده به سمت پروردگار مخصوص خداست و این موضوع یک امر بدیهی و واضح به نظر می‌رسد، از این رو حذف ترکیب مزبور با توجه به فعل امر "تب" در ترجمه به عنوان یک دلالت معناشناختی اضافی و غیرضروری آسیبی به کلام وارد نمی‌سازد و خواننده در زمان مواجه با این فعل بی‌درنگ متوجه معنا و مقصود اصلی آن می‌شود. بنابراین می‌توان گفت مترجم در حذف این ترکیب موفق عمل نموده است.

۲-۲. الگوی حق انتخاب مترجم

الگوی حق انتخاب مترجم، از دیگر الگوهای مطرح شده توسط لادمیرال است. گاهی مترجم مجبور می‌شود جهت انتقال درست معنا از متن مبدأ به مقصد، معادل بعضی از کلمات را آن‌گونه که در فرهنگ

لغات آمده است، به کار نبرد. در چنین شرایطی، چنانچه مترجم توجیهی برای کار خود نداشته باشد، می‌تواند بنابر قضیه حق انتخاب مترجم معادلی را که با بافت متن همخوانی دارد، به کار برد (محسنی، ۱۳۸۷: ۲۲).

۱_ أنت يا هاني أبطال علينا بالزيارة (الشرقاوی، ۱۹۹۵م: ۱۴۵).

ترجمه: ای هانی، شما که دیگر به دیدار ما نمی‌آیید (امامی، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

در این نمونه عبارت "أبطال علينا بالزيارة" در معنای فرهنگ لغتی خود به فرم «دیدار را بر ما به تأخیر انداختی» است که مترجم با بهره‌گیری از الگوی حق انتخاب مترجم برابرنهادی را انتخاب کرده که باعث شیوایی متن مقصد شده است. فعل "أبطأ عليه بالأمر" در معجم به معنای «آن کار را برای او به تأخیر انداخت» است.

۲_ عبد الله.. يا من يذرع البداء في هذا اللطي القاتل تعال تصب هنا الراحة (الشرقاوی، ۱۹۹۵م: ۱۵۶).

ترجمه: بنده خدا.. ای کسی که به تنهایی از صحرا عبور می‌کنی، بیا کمی در این گرمای کشنده اینجا استراحت کن (امامی، ۱۳۹۹: ۱۱۱).

در این شاهد مثال جمله "تصب هنا الراحة" به معنای «در اینجا راحتی و استراحت را به دست می‌آوری» است. مترجم با بکارگیری شاخصه حق انتخاب، معادل «بیا اینجا استراحت کن» را برای عبارت فوق‌گزینش نموده است. اگر مترجم این جمله را به همان صورت لفظی و فرهنگ لغتی خود در زبان مقصد انتقال می‌داد ممکن بود مفهوم کلام به صورت دقیق و واضح بازتاب پیدا نکند.

۳_ فلقد توالت عندكم نذر الأمير (الشرقاوی، ۱۹۹۵م، ۱۳۹).

ترجمه: به هشدار اخیر امیر توجه کنید (امامی، ۱۳۹۹: ۹۹).

در این نمونه که در پرده هشتم نمایشنامه و از زبان جارچی خطاب به مردم بیان شده است، ترجمه به طور کامل گویای مطلب نیست، زیرا اول آنکه جمله عربی که خبری است بی‌دلیل به صورت امر ترجمه شده است؛ و دوم آنکه واژه "توالت" درست ترجمه نشده است. کلمه "توالت" در اینجا آمده است تا پی در پی آمدن هشدار امیر را از زبان جارچی بیان کند. لذا با توجه به الگوی «حق انتخاب مترجم» لادمیرال مترجم درست عمل نکرده است. در واقع مترجم با گزینش برابرنهاد توجه کنید به جای به شما رسیده است و با ایجاد تغییر در ساختار معنایی واژه، نتوانسته است ترجمه مناسبی ارائه دهد.

ترجمه پیشنهادی: هشدارهای امیر پیاپی به شما ابلاغ شده است.

۲-۳. الگوی جابجایی

جابه‌جایی از دیگر مؤلفه‌های الگوی ترجمه لادمیرال است. لادمیرال معتقد است مترجم می‌تواند کلام را به دلخواه خود آرایش کند و اجزای جمله را تغییر دهند و از حالت اصلی خود خارج سازد. آنتوان

برمن از این مؤلفه به «عقلایی‌سازی» تعبیر می‌کند و آن را منسوخ و از عوامل تحریف متن می‌داند (دلشاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۲).

۱_ لن ینفعلنا اذ ذاك إلا العمل الصالح (الشرقاوی، ۱۹۹۵م: ۱۵۴).

ترجمه: جز عمل نیک خودمان هیچ چیز به دردمان نخواهد خورد (امامی، ۱۳۹۹: ۱۱۰).

۲_ لم أعد بعد ولي الأمر كي أنزل حكم الشرع به (الشرقاوی، ۱۹۹۵م: ۱۵۹).

ترجمه: تا زمانی که همهٔ مسلمین با من بیعت نکرده‌اند، حاکم نیستم (امامی، ۱۳۹۹: ۱۱۴).

۳_ أنا إذا قتلت بُریر وهو معلمی القرآن (الشرقاوی، ۱۹۹۵م: ۳۷۴).

ترجمه: من معلم قرآن خود بریر را کشتم (امامی، ۱۳۹۹: ۲۶۵).

مطالعه و بررسی این سه نمونه نشان می‌دهد ترجمهٔ امامی در بند التزام به بازتاب اجزا و ساختار عبارات متن مبدأ به همان شکل اولیهٔ خود در زبان مقصد نبوده و اقدام به جا به جایی آنها نموده است. هر سه نمونه از دو جملهٔ پایه و پیرو تشکیل شده‌اند. در مثال نخست جملهٔ پیرو «جز عمل نیک خودمان»، در مثال دوم جملهٔ پیرو «تا زمانی که همهٔ مسلمین با من بیعت نکرده‌اند» و در مثال سوم جملهٔ پیرو «معلم قرآن خود» به ترتیب با جملات پایهٔ خود در زبان مقصد جا به جا شده‌اند. البته ساخت و بافت هر زبانی با دیگر زبان‌ها تفاوت دارد. گاهی در زبان عربی جملات پیرو پس از جملات پایه می‌آیند و این ترتیب ممکن است در زبان فارسی به منظور آراسته‌سازی کلام جا به جا شود. هر چند مترجم می‌بایست در عمل جابه جایی نسبت به نیت و اهداف نویسنده آگاه باشد و آن را به درستی در زبان مقصد انتقال دهد و اگر نه این جا به جایی باعث تحریف کلام می‌گردد.

در مثال دوم جمله دوم که با فعل مضارع منصوب شده که به عنوان جمله پیرو در نظر گرفته می‌شود. برگردان این عبارت از جملهٔ پایه و با حفظ انسجام اصلی آن به صورت "دیگر حاکم نیستم تا زمانی که همهٔ مسلمین با من بیعت کنند" کمی ترجمه را از روانی خود خارج می‌سازد. استفاده از تکنیک جابه جایی برای ترجمهٔ این جمله از سوی مترجم منجر به ایجاد روانی و شیوایی برگردان او شده است. در خصوص مثال سوم نیز باید گفت زمانی که در زبان مبدأ از جمله حالیه به عنوان جملهٔ پیرو استفاه می‌شود، این امر باعث طولانی‌تر شدن عبارت می‌گردد. بنابراین به منظور روان‌سازی ترجمه بهتر است جمله حالیه را که جملهٔ پیرو است بر جملهٔ پایه مقدم نمود. «جمله‌های معترضه اعم از جمله وصفیه، حالیه، دعایی و... در زبان عربی کاربرد زیادی دارند و همین ویژگی باعث شده که جمله‌های عربی، ساختاری طولانی داشته باشند. برای روان‌سازی نثر ترجمه، بهتر است ابتدا جملهٔ پیرو را ترجمه کنیم و آنگاه جملهٔ پایه را بیاوریم. در واقع، رعایت توالی و ترتیب جملهٔ عربی باعث سنگینی نثر ترجمه و سخت خوانی آن می‌شود» (ناظمیان و خورشید، ۱۳۹۸: ۲۶۳).

۲-۴. افزوده‌سازی

افزوده‌سازی بر عکس آنتروپی، شامل افزوده‌هایی در سطح دال و مدلول است. لادمیرال معتقد است مترجم باید اطلاعات ضمنی متن مبدأ را که برای انتقال معنا مورد نظر نویسنده مبدأ، ضرور هستند به مقصد منتقل کند (فکری و مدنی، ۱۴۰۲: ۴۷-۴۶).

۱- فَعَطَّلَ أَصْلًا فِي الْإِسْلَامِ وَزَيْفَ قَاعِدَةَ الشُّورَى (الشرقاوی، ۱۹۹۵م: ۲۷).

ترجمه: اصل مهمی را در اسلام نابود ساخت و اساس شورا را جعل کرد (امامی، ۱۳۹۹: ۱۷).

ترجمه اصلا به «اصلی مهم» مناسب و مقبول است. افزودن صفت مهم به اصل در ترجمه با الگوی افزوده‌سازی لادمیرال تناسب دارد. در زبان عربی گاه نکره آمده واژه‌ای بر تعظیم و تفضیح و مهم جلوه دادن مطلبی دلالت دارد، چنانکه در علم معانی می‌خوانیم که «گاه یکی از اغراض تنکیر مسندالیه تعظیم است» (الهاشمی، ۱۳۵۸: ۱۴۲) در اینجا هم نکره آمدن واژه «اصلاً» می‌تواند مصداقی برای آن باشد که مترجم به نیکی این مطلب را در ترجمه رسانده است.

۲- یواجه این زیاد لیحفظ بوضعه وظهره للستار. کیف بالله نجحت؟ (الشرقاوی، ۱۹۹۵م: ۱۴۷).

ترجمه: رو به این زیاد می‌کند تا وضعیتش حفظ شود و پشتش به پرده باشد. تو را به خدا چگونه از آن مخمصه نجات پیدا کردی؟ (امامی، ۱۳۹۹: ۱۰۵).

در این نمونه نیز شاهد افزوده‌سازی هستیم. مترجم به منظور تکمیل اطلاعات معنایی فعل "نجحت" در زبان مقصد، واژه «مخمصه» را که معادل آن در متن مبدأ وجود ندارد، به آن اضافه نموده است تا از این طریق در متبلور ساختن هر چه بهتر و بیشتر محتوا و مفهوم اصلی کلام در ترجمه حضوری پر رنگ داشته باشد.

۳- ما ذاک صوت أخینا أسد؟ (الشرقاوی، ۱۹۹۵م: ۱۴۰).

ترجمه: این صدای اسد است؟ آیا او به ما خیانت کرده است؟ (امامی، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

در این نمونه مترجم برگردان عبارت "أما ذاک صوت أخینا أسد" را با اطناب بازتاب داده است. می‌توان گفت مترجم به معنای خیانت از سوی شخصیت اسد که معنای ضمنی کلام است پی برده و اقدام به افزوده‌سازی کرده است. در واقع باید گفت مترجم با افزودن عبارت "آیا او به ما خیانت کرده است؟" در زبان مقصد، علاوه بر بازآفرینی، لایه‌های معنایی نهفته در کلام را آشکار ساخته و به مخاطب در دریافت و درک بهتر پیام متن کمک شایانی نموده است.

۲-۵. شفاف‌سازی یا ابهام زدایی

یکی دیگر از پارادایم‌های ارزیابی ترجمه در نزد لادمیرال شفاف‌سازی یا ابهام‌زدایی است. ویژگی‌های زبانی هر ملت باعث می‌شود که دیگر ملت‌ها برخی از مختصات زبانی آن را مبهم بدانند و از درک آن عاجز باشند. این‌گونه موارد، مترجم را با مشکل مواجه می‌کند. لادمیرال، نظریه‌پرداز مقصدگرا، ابهام‌زدایی و شفاف‌سازی را برای مواجهه با چنین چالش‌هایی پیش‌بینی می‌کند. در ترجمه عربی به فارسی، مسئله ضمائر برای مترجم مشکل‌ساز است و مترجم در ترجمه ضمائر باید ابهام‌زدایی کند (دلشاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۶).

۱- قال یهددهم: «انتي ابن زیاد انا حتفکم!» (الشرقاوی، ۱۹۹۵م: ۱۳۰).

ترجمه: من ابن زیاد هستم، من پیام‌آور مرگ شما هستم (امامی، ۱۳۹۹: ۹۳).

در این شاهد مثال عبارت "أنا حتفکم" در قالب تحت اللفظی خود به معنای «من مرگ شما هستم» است. ممکن است ترجمه آن به صورت لفظی برای مخاطب نامفهوم و مبهم باشد. بنابراین مترجم با آوردن واژه «پیام‌آور» در کنار مرگ این ابهام و نارسایی را رفع نموده و برگردانی شیوا و مناسب با محتوای عبارت مزبور عرضه کرده است. گاهی شفاف‌سازی با افزودن یک یا چند واژه و عبارت به متن مقصد همراه می‌شود تا از این طریق مدلول به طور واضح برای خواننده تبیین و روشن گردد.

۲- فلتعجل بأبي وأنت وامي أينعت كل الثمار (الشرقاوی، ۱۹۹۵م: ۱۱۷).

ترجمه: پس عجله کن. ای پدر و مادرم به فدایت، اکنون زمانش فرا رسیده (امامی، ۱۳۹۹: ۸۳).

در این نمونه برگردان لفظی عبارت کنایی "أينعت كل الثمار" به صورت «تمام میوه‌ها رسیده‌اند» است. استفاده از چنین برگردانی در ترجمه می‌تواند برای خواننده نامفهوم و مبهم باشد. مترجم با گزینش برابرنهادی مطلوب و مناسب توانسته معنای ضمنی و اصلی عبارت مزبور را در متن مقصد ارائه دهد که این امر بر انسجام معنایی، ساختاری، و شیوایی ترجمه او افزوده است. گاهی ترجمه تحت اللفظی عبارات باعث پوشیده ماندن معنا و مضمون اصلی می‌گردد. مترجم می‌بایست با آگاهی بر اطلاعات ضمنی و بافتی کلام در هر دو زبان مبدأ و مقصد نسبت به برگردان عبارات و واژگانی که در بردارنده معنای استعاری، مجازی و کنایی هستند، اقدام کند و پرده ابهام و نارسایی را با ارائه معادل‌های دقیق از برابر آنها کنار بزند.

۲-۶. ناهمگون‌سازی (آراسته‌سازی)

ناهمگون‌سازی یا آراسته‌سازی یکی دیگر از الگوی‌های تعیین شده از سوی لادمیرال است. استفاده از این مؤلفه به منظور مفهوم‌سازی عمل بینا زبانی مترجم و رابطه‌ای است که بین دال‌های نوشتاری دو زبان برقرار می‌شود (سلیمی و نظری، ۱۴۰۱: ۱۷۷). بر اساس این مؤلفه لادمیرال نه تنها مترجم را در ناهمگون‌سازی مجاز می‌داند، بلکه او را تشویق می‌کند. یعنی دور شدن از تداعی‌گر مبدأ به منظور

انتخاب تداعی‌گری که مشابه تداعی‌گر مبدأ نیست، اما به خوبی همان مدلول را تداعی می‌کند (لادمیرال، ۱۹۹۴: ۵۸).

۱_ خل عن الغمز واللمز ولا تسخر بنا (الشرفاوی، ۱۹۹۵م: ۳۵).

ترجمه: گوشه کنایه‌هایت را تمام کن و ما را مسخره مکن (امامی، ۱۳۹۹: ۲۴).

۲_ والدنايا تزدهي بالطيلسان (الشرفاوی، ۱۹۹۵م: ۱۱۴).

ترجمه: افراد پست به ظواهر دین خود افتخار می‌کنند (امامی، ۱۳۹۹: ۷۹).

۳_ هكذا تنشر في الناس الخور (الشرفاوی، ۱۹۹۵م: ۲۴۵).

ترجمه: این گونه انگیزه را از مردم می‌گیرند (امامی، ۱۳۹۹: ۱۷۶).

در این سه مثال شاهد ناهمگون‌سازی یا همان آراسته‌سازی هستیم. مترجم با دوری کردن از مدلول و معنای متن اصلی، دال‌هایی را انتخاب و باز آفرینی نموده است که از همان بار معنایی در زبان مقصد برخوردار هستند. در مصداق اول واژه «غمز و لمز» در فرهنگ لغت به معنای «چشمک زدن و با گوشه چشم اشاره کردن» است. مترجم با فاصله گرفتن از معنای لغوی آن، دست به ناهمگون‌سازی زده و از برابر نهاد «گوشه کنایه‌هایت» در ترجمه خود بهره جسته است. در نمونه دوم واژه «طیلسان» در زبان فارسی به معنای جامه و ردای است که قضات، علما و افراد حکومتی بر روی دوش خود می‌اندازند. مترجم با به کارگیری معادل «ظواهر دین خود» که با مدلول متن اصلی تطابق دارد، دست به آراسته‌سازی و ناهمگونی زده است.

در مثال سوم نیز مترجم عبارت «هكذا تنشر في الناس الخور» را از قالب لفظی و اصلی خود خارج ساخته و آن را به زیور الگوی ناهمگون‌سازی آراسته کرده است. ترجمه تحت اللفظی این عبارت به شکل «این چنین ناامیدی را در میان مردم منتشر می‌کنند» است. می‌توان گفت ارتباط مترجم با این الگو، ارتباطی مثبت بوده و باعث باز آفرینی و سلاست متن او شده است. گاهی مترجم می‌تواند از اصل تساوی عدول کند و به ناهمگون‌سازی بپردازد. لادمیرال معتقد است نیاز نیست مترجم متن مبدأ را اساس کار قرار دهد تا مساوی آن، یک متن ترجمه شده خلق کند، بلکه می‌تواند به ناهمگونی بپردازد، متن مبدأ را رها کند و به پالایش متن ترجمه شده بپردازد (دلشاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۲).

۷-۲. تفسیر حدافلی

از منظر لادمیرال، ترجمه فرا ارتباطی است که ضرورتاً از ذهنیت مترجم می‌گذرد و مترجم نقش مفسر را ایفا می‌کند (لادمیرال، ۱۹۹۴م: ۳۴). لادمیرال از کمترین تفسیری صحبت می‌کند که گاهی ترجمه بدون آن گویا و شفاف خواهد بود. مترجم فقط تاجایی مجاز به تفسیر است که خواننده را در درک بهتر معنا یاری رساند، نه اینکه خود یک اثر کامل بیافریند (فکری و مدنی، ۱۴۰۲: ۴۷).

۱- حرمة الأحياء أولى بالرعاية (الشرقاوي، ۱۹۹۵م: ۲۹).

ترجمه: حرمت زندگان واجب‌تر است (امامی، ۱۳۹۹: ۲۱).

در این نمونه می‌توان تفسیر حداقلی را مشاهده نمود. تفسیر حداکثری عبارت فوق به صورت " رعایت حرمت زندگان در اولویت قرار دارد" است. مترجم برای ترجمه جمله مزبور از تفسیر حداقلی " حرمت زندگان واجب‌تر است" بهره جسته و با استفاده از این تکنیک برگردانی واضح و شفاف عرضه کرده است. در تفسیر حداقلی جزئیات از اهمیت کمتری برخوردار است و مترجم می‌تواند این جزئیات را با تفسیر حداقلی در زبان مقصد متبلور سازد.

۸-۲. تکرار

گاهی در متن مبدأ، تکرار وجود ندارد، اما در ترجمه برای اجتناب از ابهام در معنا باید به تکرار روی آورد. مثلاً در جملات عربی با وجود چهارده صیغه افعال مختلف، گاهی مترجم ناگزیر به تکرار اسامی یا مرجع ضمیر در ترجمه می‌شود. در این مواقع با توجه به جنسیت‌گرایی زبان عربی، تکرار امری ضروری است (فکری و مدنی، ۱۴۰۲: ۴۵).

۱- إن من شایع سلطانا علی الجور فقد أجرم مثله (الشرقاوي، ۱۹۹۵م: ۲۷۸).

ترجمه: هرکس از حاکم ظالم حمایت کند همانند آن حاکم ظالم گناهکار است (امامی، ۱۳۹۹: ۲۰۱).

۲- لقد قلت والله کفرا کقول فرعون مصر.. لما طغى وتکبر (الشرقاوي، ۱۹۹۵م: ۱۹۷).

ترجمه: به خدا سوگند که تو کفر می‌گویی، همان‌گونه که فرعون مصر کفر می‌گفت؛ فرعون که تکبر می‌ورزید و ستم می‌کرد (امامی، ۱۳۹۹: ۱۴۳).

در این دو شاهد مثال مترجم اقدام به تکرار دو واژه «حاکم ظالم و فرعون» در ترجمه خود کرده است. در نمونه نخست تکرار واژه «حاکم ظالم» ناشی از رفع ابهام موجود در ضمیر متصل «ه» می‌باشد. در مثال دوم مترجم مرجع ضمیر موجود در فعل "طغى و تکبر" را به منظور رفع ابهام، مجدداً در زبان مقصد تکرار کرده است. گاهی استفاده از تکرار به مثابه حشو نبوده و به کارگیری آن نه تنها باعث اختلال معنا نمی‌گردد، بلکه منجر به فهم درست معنا می‌شود.

۹-۲. وام‌گیری

وام‌گیری یکی دیگر از تکنیک‌های تعریف شده از سوی لادمیرال است. لادمیرال معتقد است که برای وارد کردن اصطلاح خارجی (دال و مدلول) به زبان مقصد که ارزش سبک شناختی «رنگ بومی» دارد، بهتر آن است که مدلول متن مبدأ در پانویس یا در بافت متنی در پراکنش مشخص شود. وام‌گیری باید در حد معقول و سازگار با خوانش متن مقصد باشد (لادمیرال، ۱۴۰۰: ۳۱).

۱- أنا مسؤول عن رأيي وعن النهي عن المنکر (الشرقاوي، ۱۹۹۵م: ۵۴).

ترجمه: من مسئول عقیده خود و مسئول نهی از منکر هستم (امامی، ۱۳۹۹: ۳۹).

در این مصداق تعبیر «نهی از منکر» از تعابیر مشترک دینی در زبان فارسی و عربی به شمار می‌رود. در واقع باید گفت این تعبیر در اصل از زبان عربی وام گرفته شده است و مترجم با وام‌گیری دوباره، آن را در ترجمه متبلور ساخته است. ارتباط ایرانیان با اعراب به قبل از ظهور اسلام بر می‌گردد. در این ارتباط بسیاری از واژگان به زبان عربی انتقال یافت؛ اما بعد از ورود اسلام به ایران، عامل مذهبی باعث شد تا بسیاری از واژگان و اصطلاحات دینی وارد زبان فارسی شود (ثمره و دیگران، ۱۴۰۲: ۴۰۰).

نتیجه‌گیری

باتوجه به بررسی ترجمه غلامرضا امامی از نمایشنامه عبدالرحمن شرقاوی براساس الگوی لادمیرال نتایج زیر حاصل شد:

— ترجمه‌ای که غلامرضا امامی از نمایشنامه «الحسین نائرا وشهید» اثر عبدالرحمن شرقاوی ارائه داده است از نقاط ضعف و قوتی برخوردار است. مهم‌ترین نقطه قوت برگردان مترجم، انطباق برگردان او با اکثر مؤلفه‌های مقصد‌گرای لادمیرال است و مهم‌ترین نقطه ضعف آن این است که برخی عبارات و جملات درست و دقیق ترجمه نشده‌اند و یا پیام متن را به تمامی منتقل نکرده و نیاز به بازنگری دارند.

— با بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت ترجمه امامی از نمایشنامه شرقاوی در سطوح حق انتخاب مترجم، افزوده‌سازی، ابهام‌زدایی، ناهمگون‌سازی، تفسیر حدافلی، تکرار و وام‌گیری با الگوی لادمیرال تطابق و تناسب بیشتری دارد. آنچه که در ترجمه مترجم خیلی به چشم می‌خورد، حذف‌های نابجا و مخل معنا است که این در برخی مواقع ترجمه او را تحت الشعاع قرار داده است و باعث شده با مؤلفه حذف لادمیرال منطبق نباشد. بهتر است مترجم با انتخاب برابرنهاده مناسب برای هریک از واژگان و عبارات حذف شده از متن مقصد اقدام به تصحیح ترجمه خود نماید و آن را به حد مقبولیت بالا برساند. در بعضی موارد ملاحظه می‌شود که بسیاری از عبارات و واژگان بی جهت و بدون دلیل زبان شناسی یا تکیه بر اصول ترجمه حذف شده‌اند.

— در خصوص میزان موفقیت مترجم در ارائه ترجمه نمونه‌های انتخابی بر اساس نظریه لادمیرال باید گفت ایشان در بخش حذف از میان ۶ نمونه در ۴ نمونه ناموفق بوده و در ۲ مورد موفق عمل کرده و در بخش حق انتخاب مترجم هم از موفقیت نسبی برخوردار بوده است؛ چراکه در انتخاب معادل برای برخی از نمونه‌ها از حق انتخاب خود به درستی استفاده نموده و در برخی دیگر دچار لغزش شده است. در سایر بخش‌ها اعم از ناهمگون‌سازی، تکرار، وام‌گیری، افزوده‌سازی، ابهام‌زدایی و تفسیر حدافلی توانسته با پایبندی بر اصول و چارچوب ترجمه مقصدگرا، پیام و محتوای عبارات عربی را به شکل

سلیس، شیوا و منطبق بر بافت زبانی در ترجمه بازتاب دهد و در نتیجه بستر را برای برقراری ارتباط راحت‌تر و بهتر خواننده با متن ترجمه شده فراهم کرده است.

منابع

- _ احمدی، محمد رحیم (۱۳۹۵)، «نقد ترجمه ادبی نظریه‌ها و کاربردها»، تهران: رهنما.
- _ امامی، غلامرضا (۱۳۹۹)، «سفر خروج»، تهران: امیرکبیر.
- _ بدوی، محمد مصطفی، (۲۰۱۶م)، «المسرح العربي الحديث في مصر»، ترجمه أنوار عبدالخالق، القاهرة: المركز القومي للترجمة.
- _ ثمره، نرگس و دیگران (۱۴۰۲)، «ارزیابی فرآیند ترجمه عربی واژگان کتاب «امامت و رهبری» با تکیه بر نظریه لادمیرال»، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، س ۱۳، ش ۲۸، صص ۳۸۵-۴۱۳. <https://doi.org/10.22054/rctall.2023.74688.1683>
- _ الجبوری، کامل سلمان، (۲۰۰۳م)، «معجم الأدباء من العصر الجاهلي حتى سنة ۲۰۰۲م»، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- _ الشرفاوی، عبدالرحمن، (۱۹۹۵م)، «الحسین ثائرا وشهيدا»، بیروت: الدار العالمیة.
- _ الهاشمی، السید احمد، (۱۳۵۸)، «جواهر البلاغة في المعاني والبيان والبدیع»، مصر: مطبعة الاعتماد.
- _ دلشاد، شهرام، و دیگران (۱۳۹۵)، «بازکاوی ترجمه عبداللطیف تسوجی از داستان بنیادین هزار و یک شب براساس الگوی ژان رنه لادمیرال»، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، س ۶، ش ۱۵، صص ۶۱-۶۱. <https://doi.org/10.22054/rctall.2016.7216.61>
- _ سلیمی، زهرا و نظری، علیرضا (۱۴۰۱)، «تحلیل و نقد ترجمه دشتی از نهج البلاغه با تکیه بر دیدگاه لادمیرال (موردپژوهشی متن ده خطبه پایانی)»، مجله پژوهشنامه علوی، س ۱۳، ش ۲۵، صص ۱۹۶-۱۶۹. <https://doi.org/10.30465/alavi.2022.8039.169>
- _ صفوی، کوروش، (۱۳۷۱)، «هفت گفتار درباره ترجمه»، تهران: نشر مرکز.
- _ فکری، مسعود و مدنی، اکرم (۱۴۰۲)، «کاربست نظریه ژان رنه لادمیرال در ارزیابی کیفی ترجمه الهی قمشه‌ای از برخی آیات پانزده جزء دوم قرآن»، مجله مطالعات ترجمه، س ۲۱، ش ۸۴، صص ۵۵-۳۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17350212.1402.21.4.3.5.39>

_ لادمیرال، ژان رنه، (۱۴۰۰)، «گزاره‌هایی در باب ترجمه»، مترجم: فاطمه میرزا ابراهیم تهرانی، مرکز نشر دانشگاهی.

_ محسنی، صابر، (۱۳۸۷)، «ترجمه مقدمه و فصل چهارم کتاب ترجمه کردن؛ قضایایی برای ترجمه، اثر ژان رنه لادمیرال»، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.

_ معروف، یحیی، (۱۳۸۷)، «فن ترجمه»، تهران: سمت

_ مهدی پور، فاطمه (۱۳۹۰)، «قضایایی برای رویاروی با مشکلات ترجمه»، کتاب ماه و ادبیات، ش ۵۱، صص ۴۸-۵۲.

_ ناظمیان، رضا، (۱۳۸۷)، «متون نظم و نثر معاصر ۲»، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

_ ناظمیان، رضا و خورشید، صادق، (۱۳۹۸)، «تکنیک‌های روان‌سازی متن ترجمه در سه حوزه ساختار جمله، زمان و ضمائر»، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، س ۹، ش ۲۰، صص ۲۷۲-

<https://doi.org/10.22054/rctall.2019.42857.1392.۲۴۷>

_ نیازی، شهریار (۱۴۰۱)، «الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی)»، تهران: دانشگاه تهران.

_Ladmiral, J.R. (1994). Traduire. theorems pour latraduction. Glimard.



تقييم الترجمة الفارسية لمسرحية «الحسين ثائرا وشهيدا» لعبدالرحمن الشرقاوي على أساس نموذج جان رينيه
لادميرال للترجمة

سيد مهدي نوري كيزقاني^١، مسعود سلمانبي حقيقي^٢

^١ أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة حكيم سبزواري، سبزواري، إيران.

^٢ دكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة حكيم سبزواري، سبزواري، إيران.

الملخص

معلومات المقالة

في العقود الأخيرة حظيت دراسة ونقد ترجمة النصوص لاسيما النصوص الأدبية وفقاً لأنماط الترجمة المختلفة بقبول واسع. ومن خلال هذه الأنماط، بالإضافة إلى نقد الترجمة وتقييمها، يمكن أيضاً تحديد التقنيات والأساليب المرغوبة لتحقيق ترجمة معقولة ومناسبة. ونموذج جان رينيه لادميرال للترجمة يُعدّ من النماذج التي حظيت بالاهتمام الواسع من قبل الباحثين والنقاد. هذا الباحث الفرنسي قدّم عناصر لتقييم وتحسين الترجمة، والتي يساعد الالتزام بها بشكل كبير في رفع مستوى الترجمة وتحسينها. في هذه الدراسة، وبالاعتماد على المنهج الوصفي-التحليلي، تم نقد وتقييم ترجمة غلامرضا إمامي لمسرحية «الحسين ثائرا وشهيدا» للكاتب والأديب المصري عبد الرحمن الشرقاوي في ضوء نموذج لادميرال القائم على اللغة الهدف. وأظهرت نتائج البحث أن ترجمة إمامي لمسرحية شرقاوي معنونة بخروج سفر أكثر انسجاماً وملاءمة مع نموذج الأدميرال من حيث اختيار المترجم والإضافة والتوضيح وعدم التجانس والتفسير الأدني والتكرار والاقْتباس. وكما أثرت عمليات الحذف غير المناسبة في بعض المواضع على ترجمته، مما أدى إلى عدم تطابقها مع عنصر الحذف في نموذج لادميرال.

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٤٧/٠٣/٢٦

تاريخ القبول:

١٤٤٧/٠٨/٢٩

الكلمات المفتاحية: الشرقاوي، مسرحية الحسين ثائرا وشهيدا، الترجمة الفارسية، نموذج لادميرال.

الاقْتباس: نوري كيزقاني، س م. سلمانبي حقيقي، م. (١٤٤٧). تقييم الترجمة الفارسية لمسرحية «الحسين ثائرا وشهيدا» لعبدالرحمن

الشرقاوي على أساس نموذج جان رينيه لادميرال للترجمة، مقالة محكمة، السنة ٢، العدد ٢، صص ٤٥-٦٨.

DOI: 10.22034/jisall.2025.520929.1070



حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.

Criticism and evaluation of the translation of the play "Al-Hossein Thaera and Shahida" by Abdur Rahman Al-Sharqawi based on the destinationist approach of Jean-René Ladmiral

Sayyed Mahdi Nori Keyzghani (Corresponding Author): Associate Professor of Arabic language and literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Hakim Sabzevari, Sabzevar, Iran.

Masoud Salmani Haghghi: PhD of Arabic language and literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Hakim Sabzevari, Sabzevar, Iran.

Introduction

Translation is an intralingual and interlingual activity. Describing the world and its phenomena is a type of intralingual translation. Charles Baudelaire and Marcel Proust believed that naming something is its translation. Grammar is also a type of metalanguage and translation of language. Translation is a response to the need of different nations to communicate with each other (Ahmadi, 2016: 7). In 1972, the Frenchman Jean-René Ladmiral and the Canadian Brian Harris used the term Traductologie almost simultaneously, which was actually a kind of borrowing from the term (übersetzungswissenschaft) that German translation scholars had coined in the 1950s. Translation studies is a newly founded science with multiple goals: assessing existing theories of translation, creating new theories, evaluating translated texts, and finally, criticizing the translation process as an individual act. Translation studies, more than any other field of humanities, has an interdisciplinary nature. It is a crossroads where disciplines such as linguistics, semiotics, semantics, philosophy, literature, sociology, epistemology, psychoanalysis, and computer science (machine translation) meet or even collide (ibid: 10-9). The increasing use of translation in recent decades proves more than ever the need to formulate theories and scientific foundations for this knowledge. "Those who were engaged in this profession tried to become aware of scientific solutions to problems and to have criteria in their possession so that they could use the tools to provide the desired translation" (Safavi, 1992: 10). In this study, an attempt is made to criticize Gholamreza Emami's translation of the play Al-Hussein Thaira Wa Shahida by Abdolrahman Al-Sharqawi, firstly, to cover its weaknesses and add to its strengths, and secondly, to provide a suitable platform for continuing the process of criticizing the translation of other

literary and non-literary works based on the aforementioned model. In addition, at the end of each sample, a suggested translation is also presented in order to improve and complete the original translation.

Methodology

In research, the method of extracting and collecting research data is done in two ways: complete and incomplete inductive methods. In this research, the collection of samples was done in the incomplete inductive method. In this way, from among the mass samples related to each of the components, a total of 23 cases were selected and analyzed and examined, and at the end, their common attribute was explained. It should also be said that the proposed translation was only presented for cases where the translator was not successful in translating them.

Discussion and Results

The analysis of the translation of various literary works has been welcomed by critics and literary scholars today, and translation theories have contributed significantly to improving the quality of translation of various works. "Today, we are faced with a large volume of theories that can provide an efficient analysis of translations and evaluate them. In general, these theories can be divided into two general categories: source-oriented and destination-oriented, each of which is appropriate and applicable to specific texts" (Delshad et al. 2016: 42). One of these famous models is that of Jean-René Ladmiraal, a French researcher and theorist, who considers the destination side in his theory and allows the translator to provide the reader with a fluent, understandable, and uncomplicated text. Ladmiraal "translated many philosophical books into French and closely touched upon the problems of translation, and presented very suitable solutions for raising the quality level of translation of religious and philosophical texts, so that translators, by recognizing this theory and practicing it, can produce a product with maximum acceptability" (Samra et al., 1402: 393). Ladmiraal states in a discussion on the philosophy of translation that translation is a blind spot or a lacuna for philosophy. Theoretical thinking on translation seems to be a translational matter in the linguistic system at first, but in Ladmiraal's view it is fundamentally a philosophical matter (Niyazi, 1401: 84). Ladmiraal proposes several components for his model, the most important of which are displacement, the translator's right to choose, repetition, clarification or disambiguation, borrowing, minimal interpretation,

heterogeneity, entropy, addition, and transfer. In the following, these components will be examined on a selected translation of Al-Sharqawi's play.

Conclusion

Based on the study of Gholamreza Emami's translation of Abdolrahman Sharqawi's play based on the Ladmiraal model, the following results were obtained: _ The translation that Gholamreza Emami has presented of Abdolrahman Sharqawi's play "Al-Hussein Tha'ira wa Shahida" has strengths and weaknesses. The most important strength of the translator's translation is the compliance of his translation with most of Ladmiraal's target-oriented components, and its most important weakness is that some phrases and sentences have not been translated correctly and accurately or have not fully conveyed the message of the text and need to be revised. _ Based on the studies conducted, it can be said that Emami's translation of Al-Sharqawi's play is more consistent and appropriate with the Ladmiraal model in terms of translator's choice, addition, disambiguation, heterogeneity, minimal interpretation, repetition, and borrowing. What is very noticeable in the translator's translation is the inappropriate and disruptive deletions, which sometimes overshadowed his translation and caused it to not be in line with Ladmiraal's deletion component. It is better for the translator to correct his translation by choosing the appropriate equivalent for each of the words and phrases deleted from the target text and bring it to a high level of acceptability. In some cases, it is observed that many phrases and words have been deleted without any linguistic reason or reliance on translation principles. _ Regarding the translator's success in presenting the translation of selected examples based on Ladmiraal's theory, it should be said that he was unsuccessful in the deletion section in 4 out of 6 examples and was successful in 2 cases, and he was relatively successful in the translator's right to choose; because he used his right to choose correctly in choosing equivalents for some examples and made mistakes in others. In other areas, including heterogeneity, repetition, borrowing, addition, disambiguation, and minimal interpretation, by adhering to the principles and framework of destination-oriented translation, the message and content of Arabic phrases have been reflected in the translation in a fluent, eloquent, and linguistically contextual manner, thus providing a platform for the reader to communicate more easily and better with the translated text.

Reference

- Ahmadi, M. R. (2016). *Critique of literary translation: Theories and applications*. Rahnama. {In Persian}
- Badawi, M. M. (2016). *Modern Arabic theater in Egypt* (A. Abd al-Khaliq, Trans.). Al-Markaz al-Qawmi li al-Tarjamah. {In Arabic}
- Delshad, S., et al. (2016). Revisiting Abd al-Latif Tasuji's translation of the foundational story of One Thousand and One Nights based on Jean-René Ladmiraal's model. *Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 6(15), 41–61. <https://doi.org/10.22054/rctall.2016.7216> {In Persian}
- Emami, G. (2020). *The exodus journey*. Amirkabir. {In Persian}
- Fekri, M., & Madani, A. (2023). Application of Jean-René Ladmiraal's theory in the qualitative assessment of Elahi Qomshe'i's translation of selected verses from the second fifteen parts of the Quran. *Translation Studies*, 21(84), 39–55. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17350212.1402.21.4.3.5> {In Persian}
- Al-Hashimi, A. (1979). *Jawahir al-Balaghah fi al-Ma'ani wa al-Bayan wa al-Badi'*. Al-I'timad Printing Press. {In Arabic}
- Al-Jabouri, K. S. (2003). Dictionary of authors from the pre-Islamic era to 2002 AD (Vol. 3). Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. {In Arabic}
- Ladmiraal, J.-R. (1994). *Traduire: Théorèmes pour la traduction*. Gallimard.
- Ladmiraal, J.-R. (2021). *Propositions on translation* (F. Mirza Ebrahim Tehrani, Trans.). University Publishing Center. {In Persian}
- Marouf, Y. (2008). *The art of translation*. SAMT Publications. {In Persian}
- Mehdipour, F. (2011). Propositions for confronting translation problems. *Ketab-e Mah va Adabiyat*, 51, 48–52. {In Persian}
- Mohseni, S. (2008). *Translation of the introduction and fourth chapter of the book "Traduire: Théorèmes pour la traduction" by Jean-René Ladmiraal* (Master's thesis). Shahid Beheshti University. {In Persian}
- Nazemian, R. (2008). *Contemporary prose and poetry texts 2*. Payam Noor University Press. {In Persian}
- Nazemian, R., & Khorsha, S. (2019). Techniques of naturalizing translated text in three domains: sentence structure, tense, and pronouns. *Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 9(20), 247–272. <https://doi.org/10.22054/rctall.2019.42857.1392> {In Persian}
- Niazi, S. (2022). *Models of translation evaluation (with emphasis on Arabic language)*. University of Tehran Press. {In Persian}

- Safavi, K. (1992). *Seven discourses on translation*. Markaz Publishing. {In Persian}
- Salimi, Z., & Nazari, A. (2022). Analysis and critique of Dashti's translation of Nahj al-Balaghah based on Ladmiral's perspective (A case study of the text of ten final sermons). *Alavi Research Journal*, 13(25), 169–196. <https://doi.org/10.30465/alavi.2022.8039> {In Persian}
- Samareh, N., et al. (2023). Evaluation of the Arabic translation process of vocabulary in the book "Imamate and Leadership" based on Ladmiral's theory. *Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 13(28), 385–413. <https://doi.org/10.22054/rctall.2023.74688.1683> {In Persian}
- Al-Sharqawi, A. (1995). *Al-Husayn: Revolutionary and martyr*. Al-Dar al-'Alamiyyah. {In Arabic}